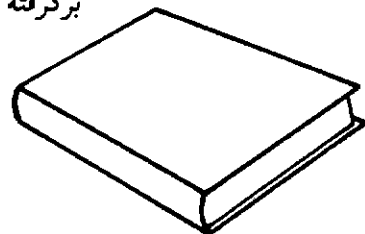


# توسعه اجتماعی

برگرفته شده از کتاب «نوسازی و توسعه، در جستجوی قالبهای فکری بدیل»

تألیف: ابی، سی دیوب.  
ترجمه: دکتر سیداحمد موثقی

قسمت دوم



اشاره: در قسمت اول این مقاله، نویسنده راجع به مقدم بودن توسعه اجتماعی بر توسعه اقتصادی، و ضرورت بازاندیشی جدی جهان سوم در مورد اهداف اجتماعی برنامه‌ریزی و استراتژیهای عملی و اجرایی از جمله تغییر ارزشهای خودمدار به ارزشهای جامعه‌نگر، تغییر از جهت‌گیری حال‌نگر به جهت‌گیری حال/آینده‌نگر، و همچنین توجه به آنچه جماعات انسانی را پایدار و بادوام می‌سازد، از قبیل پیش‌بینی نیازهای آینده، ایجاد مکانیسمهای حل مناقشه و ... مطالبی عنوان گردید. در ادامه بقیه مطالب از نظر شما خواهد گذشت.

کردن<sup>(۲۶)</sup> و بسیج<sup>(۲۷)</sup> - به عمل آورده‌اند که تماماً بدون موفقیت نبوده است. اگر نظم اجتماعی جدید قرار است که راهنمایی و هدایت شود، فضایل صبر و شکیبایی و مقاومت و پایداری باید ترویج شوند. تغییر با چنین اهمیتی را نمی‌توان در یک روز یا حتی در یک دهه ایجاد نمود؛ آنچه اساسی است آغاز نمودن سفر است. توسعه اجتماعی، بنا به گفته «جی. اف. ایکس. پیوا»<sup>(۲۸)</sup> دو بعد مرتبط با هم دارد - اول، توسعه ظرفیت و توانایی مردم در کار کردن به طور مداوم برای رفاه خود و جامعه‌شان؛ دوم، تغییر و اصلاح یا توسعه نهادهای جامعه، تا اینکه

خود نگر<sup>(۲۳)</sup> و دگرنگر<sup>(۲۴)</sup>، تأکید کرده‌اند؛ اکثر آنها یک ارجحیت و تقدم آشکاری برای دومی قایل شده‌اند. سلسله تجربیات تاریخی بشر مملو از نمونه‌هایی از موقعیتهایی است که در آن کامروا کردن خود، فدای هموار ساختن راه برای آنچه که از نظر اجتماعی خوب تلقی می‌شده، گردیده است. چنین کردارها و انتخابهایی از تقدیر و ستایش و قدر و اعتبار اجتماعی بیشتری نسبت به زیاده‌رویها و افراطهای خودخواهانه، برخوردار بوده‌اند. در طول ایام زندگی خود ما بعضی جوامع تلاشهای شجاعانه‌ای در زمینه چنین دگرگونیهایی از طریق وظیفه‌شناسی،<sup>(۲۵)</sup> سیاسی

طبیعتاً مصرف فردی که به سرحد زیاده‌روی و افراط برسد مذموم و خوار شمرده خواهد شد و تأیید و تصویب اجتماعی رفتاری را که برای جامعه به طور کلی خوب است، تحسین خواهد کرد. به طور قطع، عملی ساختن دگرگونی‌ها در چنین حجم و وسعتی دشوار است؛ زیرا نظام، آن‌طور که امروزه وجود دارد، به هر صورت در قسمتهای وسیعی از جهان به سوی کامروا کردن خود و لذت فردی و مصرف شخصی، سوق پیدا کرده است؛ اما آن غیرممکن نیست. همه ادیان بزرگ عالم و نظامهای فلسفی عمده بر تعادل و هماهنگی برقرار کردن میان انگیزشهای



در آیند، بدون خفه و خاموش کردن انگیزه‌ها و محرکها یا افزایش و ارتقاء دادن زندگی اجتماعی طفیلی و انگل‌وار<sup>(۳۰)</sup> در این روند. مفهوم توسعه اجتماعی مطمئناً تغییر و تبدیل افراد به آدمهای مکانیکی بی‌اراده و فرسوده و ریاتهای بی‌روح را نمی‌رساند؛ آنها باید از آزادی برای بیان عقایدشان بهره‌مند بوده و بخشی از روندهای تصمیم‌گیری در جامعه باشند. آنچه مورد تأکید می‌باشد این است که تأمین و ارضاء فرد باید از طریق مجاری و کانالهای اجتماعی باشد و اینکه خیر و مصلحت اجتماعی باید در روندهای اندیشه و سبک زندگی فرد، اولویت و تقدم داشته باشد.

توسعه می‌باشد. هدف توسعه اجتماعی نهایتاً نیل به یک جامعه انسانی تر با نهادها و سازمانهایی است که به‌طور متناسب‌تری به نیازهای بشری پاسخ می‌دهند. آنچه که نیاز به تأکید دارد این است که جامعه باید یک مکانیسم خود تنظیم کننده<sup>(۲۹)</sup> توسعه یافته و به‌طور مؤثر کارکردی داشته باشد تا اینکه حرص و طمع فردی و خودخواهی تحت کنترل

**هدف توسعه اجتماعی نهایتاً نیل به یک جامعه انسانی تر با نهادها و سازمانهایی است که به‌طور متناسب‌تری به نیازهای بشری پاسخ می‌دهند.**

نیازهای بشر در همه سطوح مخصوصاً در پایین‌ترین سطح، از طریق یک روند بهبود و ارتقاء روابط میان مردم و نهادهای اجتماعی - اقتصادی، برآورده شود، به‌نحوی که تصدیق‌کننده این امر باشد که نیروهای انسانی و طبیعی دائماً در حال پادرمیانی بین بیان و ابراز نیازها و وسایل تأمین آنها می‌باشند. او می‌افزاید:

در این روند، تعادلی میان برآوردن نیازهای کمی و کیفی از طریق تغییرات در نهادهای اجتماعی و در استفاده از منابع موجود ضروری و مورد نیاز است. بنابراین نظر و توجه اساسی توسعه اجتماعی به عدالت اجتماعی و به توزیع عادلانه ثمرات



در تنظیم الگویی از نیازهای بشر ما باید طبیعت ویژه حیوان - انسانی را به خاطر بسپاریم. بشریت از اشکال پایین تر زندگی رشد و نمو کرده است، زندگی انسان معاصر فراز و نشیبهای بسیاری در میراث تکامل خود دارد. ما امیال حیوانی داریم، اما آنها را از طریق وسایل فرهنگی تحقق می‌بخشیم. تغذیه، امور جنسی و زاد و ولد، پرورش و بزرگ کردن فرزند، مسکن و دیگر اشکال حمایت فیزیکی، که همه از نیازهای اساسی هستند، همگی نیازهایی هستند که در آنها ما با دیگر حیوانات سهیم و مشترک هستیم.

اما در اینجا تشابه به پایان می‌رسد. ما غذای پخته شده می‌خوریم و اولویتهای ما یک میلیون سبک آشپزی مختلف را به وجود می‌آورند، آنچه برای یک جامعه غذای قابل قبول است، ممکن است برای جامعه دیگر غیر قابل قبول باشد. بعضی گروههای مذهبی خوردن گوشت خوک را منع می‌کنند، گروههای دیگر ممکن است گوشت گاو تجویز و حتی گروههای دیگری ممکن است خوردن همه نوع گوشتهای حیوانی را رد کنند. سگها در بعضی از فرهنگها قابل خوردن هستند، ولی در بسیاری از فرهنگهای دیگر این طور نیست. با این وجود، یک شکل و نوعی از تغذیه ضروری است و باید هم کافی و هم متعادل باشد. لذت و تمتع از انگیزش جنسی یک هدف حیوانی است؛ اما موجودات انسانی تابوهای زنای با

دوره هم روابط مهمی با اشکال و انواع اجبارها و سازمان انسانی دارد. آذوقه و توشه باید فراهم شود نه فقط برای بقای فیزیکی بلکه همچنین برای حمایت روانشناختی و اجتماعی، انسان به دنیا آمدن شرط کافی برای انسان شدن نیست؛ این دومی یک روند طولانی جامعه‌پذیری<sup>(۳۴)</sup> و آموزش را لازم دارد. با این وجود، در برخورد با موجودات انسانی، ما نباید خودمان را فقط به یک توجه به نیازهای اساسی برای بقاء، محدود بکنیم؛ جزء زیبایی شناختی<sup>(۳۵)</sup> زندگی انسان مهم است. حتی انسانهای ماقبل تاریخ با رقص و آوازها ارضا می‌شدند؛ آنها برخی نقاشیهای قابل توجهی را بر غارها و طاقها که تعدادی از آنها از نقش محیط بلافصل فراتر می‌روند و یک نمایش آزاد قوه اندیشه و تصور و ابتکار و خلاقیت را نمایان می‌سازند، از خود به جا گذاشته‌اند،

محارم و نزدیکان را دارند<sup>(۳۱)</sup> و قواعد پیچیده درون همسری<sup>(۳۲)</sup> (وصلت با خودی) و برون همسری<sup>(۳۳)</sup> (وصلت با غیر)، تعیین و معلوم کننده کسانی را که آنها می‌توانند با آنان ازدواج کنند و آثایی را که نمی‌توانند، تدبیر می‌کنند. بارداری در میان موجودات انسانی مدت زیادی طول می‌کشد، و جنس مؤنث انسانی در طول این دوره نسبتاً آسیب‌پذیر است. این عامل آسیب‌پذیری با رشد فرهنگی ما افزایش بیشتری یافته است. بنابراین زاد و ولد نیازها و تقاضاهای خاصی را برای اشکال و انواع سازمان اجتماعی انسانی ایجاد می‌کند، که یک شکل یا شکلی دیگر از گروه داخلی نسبتاً با ثبات را ضروری می‌سازد. نوزاد انسانی هم آسیب‌پذیر و وابسته است؛ رشد و بلوغ طی یک دوره طولانی اتفاق می‌افتد. نیاز به فراهم کردن و ساز و برگ زندگی فیزیکی و اجتماعی در طول این

مشکل است، اما در عین حل کردن یک مجموعه از مسایل، آن مسایل دیگری را ایجاد می‌کند. فرهنگ به‌طور همزمان زندگی را آسان‌تر و پیچیده‌تر ساخته است. خواسته‌های انسان به‌طور سلسله‌مراتبی درجه‌بندی شده‌اند و شیوه‌های تأمین و ارضاء هم قسمتی از یک سلسله‌مراتب مشابه را تشکیل می‌دهند. بنابراین ما نمی‌توانیم در اندیشیدن بر حسب نیازهای انسان به سادگی فقط در تأمین و ارضای اهداف اساسی حیوانی متوقف شویم، کامروایی در سطوح و اشکال دیگر هم به‌طور مساوی، ضروری می‌باشند. نیازهای انسان را نمی‌توان به‌طور تصلب‌آمیز تعریف و معلوم نمود. آنها ضرورتاً دستخوش تغییرات‌اند و در طول مدت دو یا سه نسل دیدگاه‌ها انسان در مورد اینکه چه نیازهایی اساسی هستند می‌تواند دستخوش یک دگرگونی کامل شود.

**در برخورد با موجودات انسانی، ما نباید خودمان را فقط به یک توجه به نیازهای اساسی برای بقاء، محدود بکنیم؛ جزء زیبایی شناختی زندگی انسان مهم است.**

اجزاء ساخته‌شده در ساختمان زیستی - روانشناختی<sup>(۳۷)</sup> ما حمایت شده و طالب و مشتاق پاسخ مثبت هستند. ما به مقبولیت و پذیرش،<sup>(۳۸)</sup> مهر و عاطفه<sup>(۳۹)</sup> و تصدیق و شناسایی<sup>(۴۰)</sup> نیاز داریم، خلاقیت و یادگیری سریع و مؤثر اینها را در مقیاس وسیعی به‌دست می‌آورند. در عین به رسمیت شناختن سنت به‌عنوان یک عنصر مهم زندگی انسان، ما نباید از مفتنم شمردن خلاقیت و ابتکار و نوآوری (اگرچه اینها تحت شرایط خاصی کیفی‌ها و مجازاتهای سختی را هم به‌دنبال دارند)، غفلت ورزیم.

ما یک حیوان فرهنگ‌ساز هستیم. فرهنگ به‌خودی‌خود یک ابزار سازش‌بخش و حل‌کنندهٔ مسأله و

**در عین به رسمیت شناختن سنت به‌عنوان یک عنصر مهم زندگی انسان، ما نباید از مفتنم شمردن خلاقیت و ابتکار و نوآوری (اگرچه اینها تحت شرایط خاصی کیفی‌ها و مجازاتهای سختی را هم به‌دنبال دارند)، غفلت ورزیم.**

ابزارها و سلاحهای اولیه برای استفاده روزمره، همان‌طور که عناصر کارکردی و عملی دارند، دارای عناصر زیبایی شناختی نیز می‌باشند. صنعتکاران اولیه یک حساسیتی نسبت به شکل، الگو و رنگ نشان می‌دادند. پیکره‌ها و مجسمه‌ها، که باز هم تاریخشان به زمانهای اولیه برمی‌گردد، سند و مدرک بیشتری را دربارهٔ انگیزش زیبایی‌شناختی خلاق ارایه می‌دهند. این بُعد را باید هنگام اندیشیدن به نیازهای بشری به‌خاطر سپرد. از میان همه حیوانات، تنها انسانها عبادت و نیایش می‌کنند.\* این امر هم یک بُعد خاصی به زندگی و حیات، با عمد ساختن شکلی از روحانیت و معنویت، اضافه می‌کند. در مجموع، ما باید یک مجموعه متنوع گسیج‌کننده‌ای از اجزایی را که زندگی موجودات انسانی<sup>(۳۶)</sup> را شکل می‌دهند، به حساب بیاوریم.

ما باید یک عامل دیگر را هم در نظر بگیریم. ما فکر می‌کنیم، ما می‌توانیم خلق کنیم و ابداع و ابتکار نماییم، ما خلاقیت و نوآوری و ابتکارمان را انتقال می‌دهیم و دیگران آن را فرا می‌گیرند. ما آموزش پذیرترین همه حیوانات هستیم. خلاقیت و یادگیری، هر دو، به‌وسیلهٔ دیگر

این یک تناقضی<sup>(۴۱)</sup> است که دو سوم بشریت هنوز مجبور است برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای اساسی‌اش مبارزه کند، بدین طریق، اولویت بالا باید به تأمین حداقل نیازها داده شود. از آنجا، جوامع باید به‌سوی تأمین دیگر سطوح و اشکال نیازها حرکت کنند. این نیازها از نظر فرهنگی تعیین و تعریف شده‌اند؛ به‌همین خاطر آنها غیر قابل تغییر نیستند. آنها را

\* البته از دیدگاه اسلام همه موجودات عبادتگر خداوند هستند.

**کیفیت زندگی بستگی به ادراک و اندیشیدن به ساختار نیاز بشری در یک چشم انداز جدید و به تهیه توشه و تدارک کافی و مناسب برای آن، دارد.**

اجتماعی، توسعه راه کارهای مؤثر حل مناقشه و برقرار سازنده توافق عمومی و اجماع همگانی، و رشد و گسترش دادن و تقویت نمودن هنجارهای انضباط اجتماعی (۴۶).

۳- نیازهای فرهنگی و روانی، شامل تهیه و تدارک آزادی شخصی و زندگی خصوصی (۴۷)، فراغت و بهره‌برداری خلاق از آن، و فرصت برابر برای پیشرفت و توسعه همه جانبه.

۴- نیازهای مربوط به رفاه، شامل اقدامات ارایه کننده یک سهم عادلانه‌ای به مردم ضعیف، ناتوان، از کار افتاده و عاجز (۴۸) و آسیب‌پذیر.

۵- نیازهای سازش‌بخش ضروری سازنده مکانیسم‌هایی برای بررسی اجمالی محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی و فیزیکی، همان‌طور که

میزانی از توافق عام و اجماع همگانی در مورد نیازهای بشری در این سطح مجرد، کافی است.

در هر صورت، ساختار نیاز شامل موارد زیر خواهد بود:

۱- نیازهای مربوط به بقاء، با تهیه و تدارک خوراک، پوشاک، مسکن، اشتغال مولد، داروهای پیشگیری کننده و درمان شفا بخش و حمایت از حیات و دارایی.

۲- نیازهای اجتماعی، دربرگیرنده ایجاد اجتماعات پایدار و بادوام، ترویج و ارتقاء روح جمعی (۴۵) و انسجام

می‌توان برای جهت‌گیری اجتماعی دادن و کیفیت پایداری (۴۲) و تداوم بخشیدن به آنها، آگاهانه تغییر داد.

کیفیت زندگی بستگی به ادراک و اندیشیدن به ساختار نیاز بشری در یک چشم‌انداز جدید و به تهیه توشه و تدارک کافی و مناسب برای آن، دارد. ارایه نمودن لیستی از نیازها که به‌طور شایسته و مکفی پاسخگوی درخواستها و تقاضاهای فرهنگی گوناگون و آرزوها و انتظارات متنوع باشند، دشوار است. در سالهای اخیر تعدادی فرمول‌بندیها از نیازهای انسان، نیازهای اساسی، حداقل نیازها و از این قبیل، تنظیم شده‌اند؛ آنها به‌طور قابل توجهی تقارب و همگرایی دارند، اگرچه از نظر ظرافت و پیچیدگی‌شان متفاوت از هم‌اند. چهره و مشخصه‌ای که در همه این مدلها مشترک است و عمومیت دارد این است که آنها شناخت و ادراک روشنفکران از ساختار نیاز بشری هستند؛ آنها مبتنی بر فرهنگ خاصی (۴۳) نیستند و نیازهای ابراز شده توسط اجتماعات یا جوامع خاصی را منعکس نمی‌کنند. البته یک مدل، یک تدبیر و تمهید اکتشافی و یابنده (۴۴) است و الزاماً به واقعیت تجربی نزدیک نمی‌شود. در حال حاضر، به‌دست آوردن مقیاس و





مکانیسمهایی برای جرح و تعدیلهای شناساگر و تأثیرگذار، ضرورت یافته به وسیله تغییرات در آنها.

۶- نیازهای مربوط به ترقی دربرگیرنده تقویت و تسریع نمودن صلاحیتها و قابلیتهای پیشبینی و حل مسأله، رشد و تحقیق علمی و تکنولوژیکی، و توسعه مهارتهای مهندسی انسانی.

نیازهای بقاء، تغییر و اصلاح اساسی در ارزشهای توزیعی موجود و نشر و ترویج نظام پاداش را لازم خواهند داشت. آنها همچنین قید و زنجیر زدن بر مصرف فردی و تقویت و گسترش خدمات اجتماعی را می طلبند. نیازهای اجتماعی رشد آگاهانه اجتماعی، بازسازی نقشها و منزلتها، و یک تلاش مهندسی انسانی ابتکاری و مصمم، با تأکید بر همکاری و

تعاون، وفاق و انضباط، را ضروری می سازد، نیازهای رفاه در صدد آرایه دمدات و حمایت به مردم ضعیف و آسیب پذیر است. در اجرا و اعمال آنها باید دقت و مواظبت به عمل آید برای تضمین اینکه آنها به طور غیرمستقیم در رشد یک بخش طفیلی و انگلی در جامعه سهم نشوند.

نیازهای فرهنگی و روانی زمینه های دشوار و لغزنده ای را پوشش می دهند، کارایی و کارآمدی برنامه های منطبق بر آنها به وسیله موفقیتشان در پیدا کردن یک ساختار پاداش جایگزین که تأکید را از روی نفع و بهره های مادی برمی دارد، مورد ارزیابی و قضاوت قرار خواهند گرفت. حتی در یک نظام ارزشی عمدتاً جامعه گرا<sup>(۴۹)</sup>، تضمین کردن یک میزان

بالایی از استقلال عمل برای فرد، که باید یک حس قدر و منزلت و ارزش و آزادی مشخصی برای ابراز و تأمین نیازها و حوائج داشته باشند، اساسی می باشد. فراغت یک ضرورت است، اما آن می تواند در جهت اهداف غیر اجتماعی و ضداجتماعی به کار گرفته شود. بهبود و ارتقای مجاری و کانالهایی برای بهره برداری خلاق و مولد از آن، اساسی است. این مجاری و کانالها باید یک طیف وسیع و متنوع از منافع را پیشبینی و منظور کنند. نیازهای سازش بخش و مربوط به ترقی سه نوع تقاضا به وجود می آورند: مهارتها در نظارت و مراقبت زیست محیطی، پیشبینی و مال اندیشی در رابطه با مسایلی که احتمال ظهورشان می رود، و صلاحیت و قابلیت ابتکاری و

نوآورانه برای یافتن راه‌حلهای جهت آن مسائل از طریق تحقیق علمی، تکنولوژیکی و رفتاری، آنها توجه و ملاحظه دقیقی را به منظور فراهم ساختن یک نظم اجتماعی نسبتاً بدون مسأله، لازم دارند و می‌طلبند.

طرح و تدبیر جدید برای زیستن، که تضمین توسعه اجتماعی را هدف قرار داده باشد، احتمالاً با دشواریهای چندی روبه‌رو می‌باشد:

اولاً، صاحبان منافع و گروههای بهره‌ور مستقر<sup>(۵۰)</sup> احتمالاً با ظهور یک ساختار نهادی توزیع مجدد که پیش‌نیازی برای اجرا و اعمال طرح پیش‌بینی و تنظیم شدن برای زیستن می‌باشد، مخالفت می‌کنند.

ثانیاً، ترک و رهاسازی ارزشی<sup>(۵۱)</sup> اکتساب ارزشی<sup>(۵۲)</sup> هدف‌گیری مجدد ارزشی و اجرا و اعمال ارزشی مستتر در این طرح ساده و آسان نخواهد بود: الگوهای ارزشی مستقر و موجود احتمالاً خود را قبولانده و دوباره اظهار وجود می‌کنند، بعضی اوقات در سواردی دور از انتظار، در جوامع با سنتهای کهن و یک دوره طولانی از تداوم، هرگونه کاربرد سوء و غلط علم و تکنولوژی و هر شکست در مدیریت تغییر اجتماعی احتمالاً تولید تمایلات نیاکان‌گرا<sup>(۵۳)</sup> می‌کند. پیشداوریهای گسترش یافته طی نسلها، احتمالاً عقلانی‌سازیها و مروجین مشتاق و علاقمند جدیدی می‌یابند.

ثالثاً، فقدان اجماع و توافق بین‌المللی نسبت به اهداف انسانی و مکانیسمهایی

### مساوات‌طلبی و عدالت اجتماعی آرمانهای غیرممکنی نیستند؛ طراحی و تنظیم مجدد آینده ما از طریق انقلاب نهادی و دگرگونی ارزشی به‌خوبی در حوزه امکان قرار دارد.

برای کاهش و خنثی‌سازی تشنجهای انفجارآمیز، تمهیدهایی جدی برای یک انتقال آرام از هرج و مرج غالب به سوی تعادل و موازنه مسرت‌بخش<sup>(۵۴)</sup> مستتر در طرح جدید مطلوب برای زیستن، مطرح خواهند نمود.

مشکلات اگر سهمگین هستند، آنها غیرقابل قائق آمدن نیستند، همه جوامع انسانی، یک درجه کمتر یا بیشتر، تمایل دارند که خودشان را با واقعیت وفق بدهند. امر اجتناب‌ناپذیر اجباراً می‌بایستی پذیرفته شود. اخذ و اقتباسهای اساسی به‌عمل آمده‌اند، اما در یک عصر و دوره مملو از تناقضها و پارادوکسها - عصر و دوره‌ای که در آن شکاف بین آرزو و دستاورد عملی در حال گسترش یافتن است، جایی که رفع توهم و پندارزدایی<sup>(۵۵)</sup> در حال رشدی نسبت به نظم مستقر که در حال نشان دادن همه‌گونه علامت ناشی و خرد شدن است وجود دارد، و زمانی که کار به جایی رسیده که بخشهای وسیعی از مردم غیر قابل حکومت کردن شده‌اند - سازگاری و انطباق با واقعیت<sup>(۵۶)</sup> در دوره طی جریانی عادی

بیش از این دیگر میسر و ممکن نیست. برای دفع خطر در شرف وقوع باید روندهای ابتکاری و نوآورانه مربوط و متوجه بحرانهای عصر ما به حرکت در آیند. بشریت، در مقیاسی کوچکتر، بارها در گذشته چنین کرده است.

مسائل جاری و کنونی بی‌اندازه بزرگتر و پیچیده‌تر هستند؛ آنها ورای مسکن‌ها می‌باشند. تغییرات ارزشی و نهادی با نفوذ و تأثیر گسترده‌تری نمایان شده‌اند. تنها با تفکر هدفمند و اقدام اجتماعی راسخ و مصمم می‌توان از این وضعیت رهایی و نجات یافت. اگر ابعاد پیدا و پنهان بحران معاصر را بتوان توضیح داد و یک دلیل و جایگزین پایدار و متقاعدکننده‌ای در

مقابل آن قرار داد، واکنش جامعه مثبت خواهد بود. تلاشهای ما در این جهت باید یک واکنش و پاسخ خلاق به چالشهای واقعیت اجتماعی معاصر باشد. مساوات‌طلبی<sup>(۵۷)</sup> و عدالت اجتماعی آرمانهای غیرممکنی نیستند؛ طراحی و تنظیم مجدد آینده ما از طریق انقلاب نهادی و دگرگونی ارزشی به‌خوبی در حوزه امکان قرار دارد.

• ادامه دارد

پانوشتها در صفحه ۴۹

